

رهیافتی بر سیاستگذاری تعاونی‌های تولیدی

دکتر سهراب دل انکیزان، عضو هیئت علمی گروه اقتصاد دانشگاه رازی



تعاون یک نهضت جهانی در مقابل ضعف اجرای عدالت و کارآیی نظام سرمایه داری بود. کشورهای جهان سوم و مخصوصاً ایران، پس از جنگ جهانی اول از این الگوها استقبال کردند و پس از جنگ جهانی دوم استقلال کشورهای در حال توسعه و علاقه آنها به الگوهای ضد استعماری، توسعه نهضت تعاون را در آنها امکان پذیرتر نمود.

از سال ۱۳۰۳ به بعد در قوانین ایران شرکت های تعاونی به رسمیت شناخته شدند و از سال ۱۳۷۰ قانون تعاون جمهوری اسلامی ایران زمینه قانونی لازم را براساس قانون اساسی برای توسعه این بخش فراهم نموده است. تسهیلات ارزان و آسان دولتی در قالب تبصره های بودجه در اولویت اول به شرکت های تعاونی داده شده و از ابتدای انقلاب تاکنون تعاونی های فراوانی با تعداد اعضای بسیار تشکیل شده اند. بخش اعظمی از این تعاونی ها متاسفانه به علی ناکارآمد و ناتوان از فعالیت بوده اند.

این مقاله به دنبال مروری بر علل و مشکلات تعاونیهای راكد است به گونه ای که بتوان از طریق پیشنهاد سیاست های مناسب آنها را بر مشکلات موجود فائق نمود.

دستگاه قضایی بهنگام، دستگاه اداری، کارآیی، بهره‌وری و... همگی از عمده عواملی بوده‌اند که طی مصاحبه‌های حضوری به آنها اشاره شده است و در ادامه به صورت مجزا و جدا جدا به آنها پرداخته خواهد شد.

شکل‌گیری تفکر تعاونی

وضع اسف بار انسانها در اوائل قرن نوزدهم، تیره‌ورزی و بدبختی کارگران کارخانه‌ها، ساعات طولانی کار و دستمزدهای قلیل و اندک، محیط فلاکت بار اجتماعی به دور از یک چشم‌انداز امیدوارکننده، نابسامانی‌های اوضاع اقتصادی، فقدان تعلیم و تربیت و بسیاری مشکلات دیگر

گرچه تعاونی‌ها در دسته‌های متفاوت فعالیت قرار دارند و شاید بتوان مشکلات مشخصی از هر دسته فعالیت را یافت که با دسته دیگر متفاوت باشد، اما بسیاری از مشکلات اصلی و موانع فعالیت آنها به صورت مشترک ظاهر شده و فقط شدت و ضعف این مشکلات در گروه‌های مختلف از تعاونی‌ها می‌تواند مشاهده گردد. این مشکلات از داشتن اطلاعات کافی و کامل برای فعالیت در بین اعضای تعاونی‌ها، مدیران آنها و یا کارشناسان ادارات و بانک را در بر می‌گیرد تا قوانین و مقررات دست و پاگیر بانکی، قراردادهای، اعطای تسهیلات، عدم همکاری مناسب و روابط نامطلوب اجتماعی بین گروه‌های در ارتباط، مشکلات اقتصادی همچون تورم، رکود، بازار فروش، افزایش دستمزدها و قیمت مواد اولیه و یا وجود رقابت ناسالم در فعالیت تعاونی‌ها.

دستگاه‌های اداری و نظارت‌های آنها در کنار اجرای بسیاری از قوانین به صورت نیمه‌تمام، حضور عوارض، موانع و یا مراحل سخت اداری که طی کردن آنها برای بسیاری از تعاونی‌ها عملاً ناممکن است، عوامل پیش‌بینی نشده‌ای چون خشکسالی و یا آتش‌سوزی، دزدی، تصادفات و... نیز نبود دستگاه‌ها و نهادهای پشتیبانی‌کننده‌ای چون بیمه‌های متفاوت،

در کشورهای اروپایی، با همراهی تفکرات جدیدی که بر اصول اقتصاد کلاسیک برای راهبری مناسب نظام اقتصادی مورد تردید جدی قرار گرفته بود، زمینه ای را ایجاد نمود تا متفکران و سیاستمداران در کشورهای خود به دنبال جایگزین های مناسب و خودجوشی برای موسسات اقتصادی بگردند. در این راستا در انگلستان رابرت اون (۱۸۵۸-۱۷۷۱)، ویلیام کینگ (۱۸۸۶-۱۷۸۶) در فرانسه، سن سیمون (۱۸۲۵-۱۷۶۰)، فیلیپ بوشه (۱۸۶۱-۱۷۹۶)، شارل فوریه (۱۸۳۷-۱۷۷۲)، پرودون (۱۸۶۵-۱۸۰۹)، لویی بلان (۱۸۸۲-۱۸۱۸) و در آلمان هرمال شولتسه دلش (۱۸۸۳-۱۸۰۸)، رایفایزن (۱۸۸۸-۱۸۱۸) و بسیاری دیگر از فیلسوفان اجتماعی همچون مارکس، میشل دیون، لنین، شارل ژید نظرات و طرح های مختلفی را برای بهبود شرایط اجتماعی-اقتصادی مردم تیره روز ارائه دادند. افکار و تمایلات مردم در مسلک های جدید اجتماعی انعکاس می یابد و توده جامعه شوق فراوانی به تجمع و تاسیسات متشکل و همچنین احقاق حقوق خود نشان می دهد. این انگیزه ها مبنای پیشنهاد نظام متشکل از بنگاه های تعاونی با اصول مبتنی بر همیاری، آزادی، انصاف، به دور از تبعیض و استثمار و با هدف رهایی دادن اعضا از تیره روزی و افزایش قدرت درک و توان و اندیشه آنان توسط نخبگان اجتماعی گردید که اگر چه به صورت کند و گسسته، ولی تجارب موفق اجرای خود جوش این تفکرات پیش زمینه اصلی شکل گرفتن نظام تعاونی گردید.

تعریف تعاونی

واژه Co-Operation را اولین بار رابرت اون در مقابل واژه رقابت Competition به کار گرفت. تعاریف متعددی تاکنون از تعاون و تعاونی ارائه شده است. تعاون را می توان نوعی کار و زندگی مشترک در سطوح گوناگون فعالیت های اجتماعی داشت (بوگاردوس، ۱۳۵۲). تعاون به معنی همکاری به منظور تأمین سعادت یا منافع متقابل است (ابوتر، ۱۳۴۸).

معنای کلمه تعاون به جز کار مشترک نیست و منظور از تعاونی عبارت از گروه متشکل از افرادی می باشد که با مشارکت یکدیگر بتوانند اموری را که انجام آن برای یک نفر مقدور نیست از عهده اش برآیند (I.L.O ۱۳۴۸). ژرژ فوکه، کلمبن (۱۸۴۸)،

پل روی (۱۳۴۹)، لویی اسمیت (۱۳۴۹) و فرانس هلم (۱۳۴۹)، هریک تعریفی از تعاون ارائه می دهند.

آخرین تعریف بین المللی تعاونی در سی و یکمین کنگره اتحادیه بین المللی تعاون که در سال ۱۹۹۵ در منچستر برگزار گردید بدین صورت ارائه گردیده است: «تعاونی انجمنی مستقل و متشکل از افرادی است که به طور داوطلبانه برای تأمین نیازهای مشترک اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی اعضا تاسیس شده و فعالیت خود را با مشارکت و با مدیریتی دموکراتیک به اجرا در می آورد».

شکل گیری نهضت تعاونی در ایران

شکل گیری نظام تعاونی در ایران، با لحاظ کردن مواد ۲۵ و ۲۶ و ۱۱۱ قانون تجارت مصوب سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ و نیز بازنگری آن و لحاظ مواد ۱۹۰ تا ۱۹۴ قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ شروع می شود. در سال ۱۳۱۶ تجدید سازمان وزارت کشور و تقسیمات کشوری مورد توجه قرار گرفت. بر همین اساس و نیز توجه به امور روستاها، در قانون تصمیمات کشوری به همراه وظایف فرمانداران و بخشداران و قانون عمران، به تشکیل شرکت های تعاونی توصیه شده بود. حتی اقداماتی چون اعطای حق انحصاری استفاده از برخی تسهیلات دولتی و یا فروش فرآورده های انحصاری دولتی به تعاونی ها زمینه های شکل تعاونیها را به وجود آورد. بعد از جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۳۲ با تصویب لایحه شرکت های تعاونی و در سال ۱۳۳۴ با تصویب قانون شرکت های تعاونی، بخش تعاون یکی از بخش های اقتصادی کشور معرفی گردید. پس از تصویب و اجرای قانون اصلاحات ارضی در سال ۱۳۴۱ سازمان مرکزی تعاونی در سال ۱۳۴۲ رسماً تاسیس و اقدام به تشکیل و تاسیس تعاونی های روستایی نمود.

بر طبق تبصره ماده ۱۶ قانون اصلاحات ارضی، زمین های تقسیم شده به اعضای شرکت های تعاونی واگذار شد و شرکت های تعاونی روستایی امور مشترک کشاورزی دهات تقسیم شده، نگاهداری قنوات و انهار و استفاده از ماشین آلات و عملیات دفع آفات نباتی و حیوانی و امثال آن را بعهده گرفتند.

برای گسترش امور تعاونی در شهرها نیز در ماده ۵۲ قانون استخدام کشوری مصوب ۳۱ خرداد ۱۳۴۵ نیز دولت مکلف گردید که با تاسیس موسسات تعاونی، مستخدمین رسمی را به تشکیل این قبیل سازمانهای تعاونی تشویق نماید. شرکت تعاونی در قانون شرکت های تعاونی مصوب ۱۳۴۶ اینچنین تعریف گردید: «شرکت تعاونی شرکتی است از اشخاص حقیقی و یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندیهای مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی شرکاز طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری آنان و تشویق به پس انداز، موافق اصولی که در قانون مصرح است تشکیل می شود».

برای اجرای قانون شرکت های تعاونی در سال ۱۳۴۹ وزارت تعاون و امور روستاها رسماً تشکیل شد و در سال ۱۳۵۰ مجدداً قانون شرکتهای تعاونی مورد بازنگری و تصویب قرار گرفت. از سال ۱۳۵۰ به بعد تا ۱۳۷۰ پس از وقوع انقلاب اسلامی نیز همان قانون شرکت های تعاونی سال ۱۳۵۰ به مورد اجرا گذارده شد، با این تفاوت که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصل ۴۴ رسماً بخش تعاونی را بخش دوم اقتصادی کشور معرفی می نماید. در شهریور سال ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی مجدداً قانون تعاون را مورد بازنگری قرار داد و در سال ۱۳۷۳ وزارت تعاون جمهوری اسلامی تشکیل و عهده دار اداره بخش تعاون و توسعه نهضت تعاونی در ایران گردید.

ضرورت بررسی وضعیت تعاونی های راکد

با توجه به اهتمام دولت در توسعه بخش تعاون و تأکید بر مفید بودن این بخش برای

اقتصاد با توجه به اصول انسانی آن در مقابل اصول بازاری بخش خصوصی، در پس از انقلاب تعاونی های بسیاری با استفاده از تسهیلات آسان و ارزان دولتی تشکیل و به امور تولیدی و توزیعی در بخش ها صنعت، کشاورزی و خدمات پرداختند. با یک بررسی ساده مشخص گردید که به علت هایی که ناشناخته بودند بسیاری از این تعاونی ها نتوانستند اعتبارات و سرمایه های اخذ شده را در مسیر صحیح اقتصادی به کار بیندند و لذا این موضوع به عنوان یک سوال پژوهشی در وزارت تعاون مطرح گردید که از طریق ادارات کل تعاون استان ها به صورت کار پژوهشی علل رکود تعاونی های را کد مورد بررسی قرار گیرد. قابل ذکر است این تعداد از حدود ۲۷۰۰ تعاون تاسیس شده در استان کرمانشاه به بیشتر از ۳۵۰ تعاونی تا سال ۱۳۸۰ می رسید.

روش تحقیق

با توجه به زمینه ای و تحلیل محتوایی بودن موضوع تحقیق، محققان بر آن شدند که از روشهای مشاهده و مصاحبه مستقیم با مدیران و اعضای این تعاونی ها اصلی ترین مشکلات را در فرایندهای مصطلح اجرایی به صورت بررسی جریان صفر تا صد اجرای کارها دنبال و سپس از طریق هماهنگی و به کمک گرفتن نظر کارشناسان ادارات همکار از روش دلفی آزاد اقدام به تدوین پرسشنامه و در نهایت گزارش پژوهش بنمایند. این مطالعه برای استان کرمانشاه صورت گرفته است و لذا برای انجام آن شناسایی مشکلات تعاونی های را کد، ابتدا لیست کلی این تعاونی ها از طریق اداره کل تعاون استان اخذ و اقدام به دسته بندی زمانی و رسته ای فعالیت در آنها گردید، سپس با توجه به امکان بیشتر دسترسی، تعداد سی و پنج تعاونی مستقر در شهرستان های کرمانشاه، اسلام آباد غرب، سنقر کلیایی، صحنه، سرپل ذهاب و جوان رود انتخاب و از مدیران آنها برای مصاحبه دعوت به عمل آمد. مدیران این تعاونی ها که از دسته های متفاوتی بودند، پس از حضور در جلسه ای در کتابخانه اداره کل تعاون به صورت زمینه ای، وارد بحث آزاد راجع به مشکلاتشان می شدند. سپس نگارنده با طرح سؤالات به صورت زمینه ای و محتوایی آنها را به سمت بیان انواع و اندازه و عمق مشکلاتشان هدایت می نمود. مصاحبه ها مکتوب می شد و یادداشت های برداشته شده از مصاحبه های انفرادی پس از جمع بندی و تدوین به صورت یک گزارش کوتاه از مسائل و مشکلات هر دسته از تعاونی های مشخص، مجدداً در جلسه ای که با حضور کلیه تعاونی های انتخاب شده آن دسته فعالیت در کتابخانه تعاون برگزار می گردید، مورد بازنگری قرار گرفتند و پس از اصلاح نهایی وضعیت عمومی مشکلات هر دسته از تعاونی ها تقریباً به صورت مشخص به دست آمد. در مرحله بعدی مشترکات عمومی گروه های متفاوت فعالیت در تعاونی ها انتخاب و تئوری عمومی مشکلات تعاونی های را کد را شکل داد.

در قسمت دوم با استفاده از مصاحبه با کارشناسان ادارات تعاون، بانکها، صنایع و وزارت تعاون نیز مطالعه برخی منابع و مآخذ در دسترس اقدام به بررسی وضعیت بخش تعاون و طرح چند سؤال اساسی گردید.

مشکلات اساسی تعاونی های را کد

در این قسمت به بررسی مشکلات اصلی تعاونی های را کد به عنوان فرضیات اصلی در فضای فعالیت تعاونی ها پرداخته می شود. در این قسمت متغیرهای اصلی مؤثر و تأثیر گذار بر رکود به صورت مستقل و یا وابسته به عوامل دیگر تعریف و در خصوص حدود نفوذ آن برمسأله رکود، به بحث پرداخته خواهد شد. در این قسمت رکود و عدم فعالیت تعاونی به عنوان متغیر وابسته و کلیه متغیرهای عنوان شده به عنوان مستقل معرفی گردیده است.

اطلاعات کارشناسی

برای اجرای هر فعالیتی اعم از اقتصادی یا غیر اقتصادی، داشتن اطلاعات کافی کارشناسی و مناسب بسیار واجب و ضروری است. ضرورت داشتن اطلاعات کافی برای فعالیت های اقتصادی به مانند ضرورت داشتن آب برای رشد و نمو گیاه است.

اگرچه اطلاعات یک کلمه عمومی بوده و به گروه ها و وزیر گروه های متفاوتی در بخش های تخصصی و عمومی، مستقیم و غیر مستقیم ها تقسیم می شود، ولی همین کلمه عام (اطلاعات) کلید ورود به بسیاری از مشکلات تعاونی های را کد است. نداشتن اطلاعات در گروه های متفاوت، موانع بی شماری را در راه حرکت تعاونی ها به وجود آورده است. گروه هایی که ضرورت دارد تا به عنوان راهنما، ناظر و یا مجری در بسیاری از فعالیت های اقتصادی و غیر اقتصادی همراه مدیران تعاونی ها باشند و نیز خود مدیران تعاونی های را کد، سطح و حجم اطلاعات تخصصی و عمومی آنها از فعالیت هایی که برای به بهره برداری رسانیدن و ادامه فعالیت مورد نیاز است باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

مصاحبه های اولیه و جلسات کارشناسی به خوبی نشان داد که حجم و سطح اطلاعات از نحوه اجرای فعالیت های اصلی و فرعی و نیز چگونگی اخذ مجوزها و اجرای دستورالعمل ها و بخشش نامه ها و... در بین گروه های متفاوت مدیران تعاونی ها، کارشناسان ادارات مرتبط و نیز بانک ها بسیار ناکافی و کم عمق بوده است. برای ورود بهتر به این موضوع به صورت جداگانه در هر یک از گروه های عنوان شده موضوع دنبال می شود.

ضعف اطلاعات متقاضیان تأسیس تعاونی

اولین گروه از افرادی که وجود اطلاعات کاری و کارشناسی در زمینه فعالیت تعاونی برای آنها واجب و لازم است، متقاضیان تأسیس تعاونی ها هستند. این گروه اصلی ترین کسانی هستند که باید اطلاعات دقیقی در خصوص نوع فعالیت مورد تقاضا، وضعیت عمومی آن، نحوه تأمین ماشین آلات، سازندگان، مشاوران، طراحان، بازارهای مبداء و مقصد، مراکز اصلی ارتباطی، قوانین و مقررات تولید، فروش، تهیه و توزیع لوازم و مواد اولیه، بیمه های مرتبط، تأمین اعتبار، صندوق ها و بانک های محلی، ملی و بین المللی اعتبار دهنده داشته باشند تا بتوانند آگاهانه وارد عرصه رقابت اقتصادی گردند.

به نظر می‌رسد متقاضیان تأسیس تعاونی اغلب کمترین اطلاعاتی از نوع فعالیت مورد تقاضا، شرایط اخذ وام، شرایط اخذ موافقت اصولی و پروانه تأسیس و بسیاری از اطلاعات ضروری فعالیت اقتصادی مورد تقاضا و یا حتی قوانین و مقررات شرکت‌های تجاری، قانون کار، قانون تأمین اجتماعی، قوانین مالیاتی و... ندارند. این موضوع باعث می‌شود تا بسیاری از وقت، انرژی و سرمایه مادی و تجهیزاتی خود را اشتباها مورد استفاده قرار داده و به هدر دهند.

مراجعات بی‌ثمر به ادارات به علت ندانستن مجرای درست اداری، روی آوردن به رشوه و ایجاد فساد اداری به علت ندانستن بندهای قوانین و مقرراتی که به سود آنهاست، عدم استفاده از وکیل، کارشناس یا مشاور به علت آگاهی نداشتن از وجود آنها و به تبع آن افزایش شدید ضررهای مادی، معنوی و در نهایت به هدر رفتن سرمایه، از بین رفتن انگیزه و امید فعالیت، ایجاد بدبینی و سوء ظن، روی آوردن به پارتی، ایجاد اختلاف بین اعضای تعاونی و... همه از نبود اطلاعات کافی و لازم در بین متقاضیان تأسیس تعاونی است که در مصاحبه‌های با متقاضیان و کارشناسان ادارات به آنها اشاره فراوان شده است.

کارشناسان ادارات متولی

دومین گروه از افرادی که می‌بایست اطلاعات دقیق کارشناسی از کلیه مراحل و مسیرهای لازم برای به سرانجام رسیدن یک طرح را داشته باشند و با نشان دادن مسیرهای صحیح و ارائه راهکارها و هدایت‌های صحیح به متقاضیان در کلیه مراحل حرکت تا به بهره برداری رسیدن، رونق و شادابی را در فعالیت‌های تعاونی‌ها به وجود آورند، کارشناسان ادارات متولی فعالیت‌ها و نیز از همه مهمتر کارشناسان تعاون هستند. متأسفانه پس از بررسی‌های دقیق و مصاحبه‌های متعدد این زمینه ذهنی به صورت فرضیه شکل می‌بندد که این اطلاعات در بین کارشناسان ادارات تعاون، ناقص، نارسا، قدیمی و گاه نامرتب است.

این مشکل می‌تواند به صورت زیر دسته بندی شود:

نخست: بافت اطلاعات کارشناسی در ادارات متولی فعالیت‌های تعاونی‌ها یک بافت کامل مانند حلقه‌های یک زنجیر به هم پیوسته که رشته‌های متفاوت و نیز تجارب لازم را در کل مسیر حرکت تعاونی‌ها در اختیار آنها قرار دهد نیست. در برخی رشته‌های تحصیلی به شدت تراکم کارشناس و در بعضی رشته‌های لازم‌خلاء وجود دارد.

دوم: اطلاعات کارشناسان موجود، کمتر جنبه عملی و کاربردی داشته و بیشتر جنبه نظری و غیر قابل استفاده در عمل و مسیر فعالیت تعاونی دارد. اگرچه این موضوع بیشتر به سرفصل دروس دانشگاهی و نحوه تدریس در دانشگاه‌ها باز می‌گردد (که اطلاعات نظری و کمتر عملی و کاربردی به عنوان عامل تشکیل سرمایه انسانی به دانشجویان ارائه می‌نماید)، ولی خود سازمان‌ها نیز از طریق آموزش‌های پودمانی، ضمن خدمت، کوتاه مدت، مکتب‌های و سعی در افزایش توان کارشناسی کارشناسان در زمینه‌های لازم برای هدایت و راهنمایی صحیح فعالیت‌های تعاونی‌ها نموده‌اند.

سوم: از آنجا که فعالیت‌های کارشناسی و نحوه اجرای وظایف توسط کارشناسان ادارات تقریباً بدون نظارت و ارزشیابی صحیح صورت می‌پذیرد، لذا کارشناسان خود نیز انگیزه‌ای برای افزایش توان کارشناسی نداشته و تقریباً در این خصوص به صورت تجارب ناقص، ناخواسته، غیر مستقیم و بلند مدت و تقریباً غیر مرتبط به هم را به صورت اطلاعات کارشناسی به متقاضیان تحویل می‌دهند. این امر باعث ایجاد گره‌ها و نیز هزینه‌های دوباره کاری و یا در بعضی مواقع ناکام ماندن کامل مدیران تعاونی‌ها در حل مشکلات پیش آمده می‌گردد.

کارشناسان بانکها

سومین گروهی که ضرورت دارد تا اطلاعات صحیح، دقیق و روزآمد را در خصوص فعالیت‌های تعاونی‌های متقاضی وام داشته باشند، کارشناسان بانک‌ها هستند. بانک‌ها به عنوان بخش سرمایه‌گذار و مشارکت‌کننده با تعاونی‌ها (که هم باید سرمایه آنها را تأمین نمایند و هم در صورت زیان و یا رکود، اصلی‌ترین زیان را که عدم دریافت وجوهات سرمایه‌گذاری است پرداخت نمایند) می‌بایست بهترین، دقیق‌ترین اطلاعات را داشته باشند.

ارتباط به روز با مؤسسات تولیدکننده اطلاعات اقتصادی، تحلیل‌های دقیق از وضعیت اقتصادی کشور و نیز جایگاه و نحوه فعالیت بخش‌های متفاوت اقتصادی، اطلاعات دقیق در جهت پیش‌بینی صحیح آینده فعالیت‌های اقتصادی بخش‌ها و زیربخش‌های اقتصادی، تورم، رکود و بسیاری از شاخص‌های اصلی فعالیت‌های اقتصادی، می‌بایست توسط کارشناسان بانک‌ها مورد استفاده، تحلیل و یا تولید قرار گیرد. در بسیاری از کشورهای جهان این اطلاعات را بانک‌ها تولید نموده و در اختیار همه افراد جامعه قرار می‌دهند که متأسفانه این فضا در بین بانک‌های کشور ما وجود ندارد.

طرح‌های توجیهی فنی و اقتصادی توسط متقاضیان کم‌اطلاع، بی‌اطلاع و یا کارشناسان ادارات که کارهای تخصصی خاصی در این زمینه نداشته و آموزش‌های لازم را ندیده‌اند، تنها به صورت کلیشه‌ای از کارهای دیگران و یا طرح‌های تیپ وزارت صنایع (که همواره بیش از چندین سال پیش تهیه شده‌اند) کپی برداری شده و به بانک‌ها جهت اخذ وام معرفی می‌شوند. متأسفانه در شورای برنامه ریزی و توسعه استانها، با قبل از آن وزارت تعاون نیز با آنها برخورد اصولی صورت نگرفته و بدون دقت و بررسی‌های لازم مورد موافقت (برای گرفتن تسهیلات تکلیفی) قرار می‌گیرند. پس از معرفی به بانک نیز از آنجا که بانک‌ها تقریباً تحت نفوذ قدرت‌های سیاسی و پست‌های کلیدی هستند، به نظر می‌رسد برای اینکه محکوم به عدم همکاری نشوند به صورت اجباری بسیاری از این وام‌ها را پرداخت نمایند.

قابل ذکر است پس از این مرحله کارشناسان بانک که باید به صورت اصولی طرح‌های سرمایه‌گذاری را بررسی و مورد ارزیابی کارشناسی و گاه بازنویسی قرار دهند، به علت قلت اطلاعات کارشناسی، حجم کار فراوان و یا عوامل مداخله‌گری که به صورت نفوذ روی کارشناس باعث

اختلال در کار وی می‌شوند، مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته به مرحله پرداخت وام می‌رسند. طرح‌های سرمایه‌گذاری که اغلب یا از نظر فنی دارای مشکل فراوان هستند و یا از نظر اقتصادی دارای توجیه نیستند، وام‌های کلان و خردی را دریافت می‌دارند که از اول نیز عدم موفقیت آن محرز خواهد بود.

عدم نظارت صحیح و انداختن مسئولیت کلیه مشکلات به عهده متقاضی از طریق قراردادهای یک طرفه به سود بانک، که اکثر اوقات به صورت کامل توسط متقاضیان بدون هیچ گونه مطالعه ای امضاء می‌شوند، پوشش‌های دیگری بر عدم توان کارشناسی دقیق و صحیح کارشناسان است و در یک فضای کاملاً مبهم تنها چیزی که به چشم می‌خورد عدم وجود اطلاعات دقیق کارشناسی در بین دو طرف است. عدم محاسبه نرخ تورم در طرح‌ها، عدم توجه به زمان و هزینه‌های فرصت، عدم نگاه دقیق حقوقی به قراردادهای منعقد ما بین بانک و متقاضیان و یا جریمه‌های دیرکردی که گاه غیر قانونی و یک طرفه توسط بانک‌ها صادر می‌شوند، همگی از ضعف کارشناسی در بانک‌ها خبر می‌دهند.

قوانین و مقررات دست و پاگیر

قوانین و مقررات جزء لاینفک فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی بوده و در صورت عدم وجود آنها، به هم ریختگی و هرج و مرج به جای نظم مشاهده خواهد شد. تعداد و نوع قوانین بستگی به نظم مورد نیاز در مسیر حرکت برای به نتیجه رسیدن یک فعالیت دارد. در حقیقت قوانین و مقررات، مؤلفه‌هایی هستند که مردم و دولت در قالب این مؤلفه‌ها محدود به حدود و لاجرم قابل پیش‌بینی می‌شوند. نیاز اصلی تصمیم‌گیری برای آینده که جزء ذاتی همه فعالیت‌های اقتصادی است، پیش‌بینی وضعیت آینده است و قوانین و مقررات می‌توانند در صورت ثبات و وحدت تفسیر، پیش‌بینی را امکان‌پذیر سازند. با این وجود همچنان که عدم وجود قوانین و مقررات مشکل‌ساز بوده، وجود بیش از حد آنها نیز قدرت خلاقیت، نوآوری و یافتن مسیرهای کوتاه‌تری بی‌زیان به حال اجتماع را زیر سؤال خواهد برد. نکات دیگری نیز که می‌توان به آنها اشاره نمود نبود نظارت صحیح بر اجرای قوانین، امکان رعایت نکردن بعضی قوانین یا اضافه کردن به آنها توسط برخی از افراد در سایه نبود نظارت دقیق، نیز عدم اطلاع از قوانین و مقررات در بین مردم است. نکاتی که می‌توان به صورت مختصر در خصوص قوانین و مقررات و اثر آنها بر ایجاد مانع و عامل رکود تعاونی‌ها به آنها اشاره نمود را در ذیل داریم:

- ۱- قدرت تفسیر زمانی در خصوص بسیاری از قوانین و بخش‌نامه‌ها.
- ۲- قدرت تفسیر مکانی در خصوص بسیاری از قوانین و بخش‌نامه‌ها در ادارات متفاوت و مخصوصاً بین ادارات و بانک‌ها.
- ۳- عدم وجود برخی از قوانین و مقررات که در برخی زمینه‌ها باعث ایجاد رویه‌های متفاوت در عمل شده است.
- ۴- وجود بیش از حد جزئی شده برخی از بخش‌نامه‌ها که قدرت ابداع روش‌های کوتاه‌تر و کم‌هزینه‌تر اداری را از بین برده است.
- ۵- نبود نظارت صحیح بر اجرای قوانین و ارائه منظم گزارش‌های ارزیابی اجرای قانون در کلیه ادارات و بانک‌ها.
- ۶- قدرت رعایت نکردن برخی قوانین و یا اضافه نمودن بندهایی به بخش‌نامه‌ها، یا مجبور نمودن متقاضیان به اجرای بعضی از فعالیت‌ها و ارائه برخی مدارک اضافی در سایه نبود نظارت و یا عدم اطلاع متقاضیان.

فرهنگ بی‌تفاوتی و عدم همکاری مناسب:

اصولاً فعالیت‌های مشارکتی و دسته‌جمعی همچون تشکیل تعاونی نیاز به همکاری، مشارکت دوستانه و همگانی کلیه شرکا و اعضای تعاونی دارد، اگرچه برای به ثمر رسیدن فعالیت‌های

تعاونی، همکاری و مشارکت افراد دیگری از جمله کارشناسان ادارات، کارشناسان بانکها، سازمان‌های ذیربط، دستگاه قضایی و... نیز مورد نیاز خواهد بود.

در مصاحبه‌های به عمل آمده از مدیران تعاونی‌ها این موضوع به صورت آشکار و ضمنی مورد اشاره قرار می‌گرفت که اعضای تعاونی عموماً خود را در مقابل تعهدات تعاونی بدون مسئولیت دانسته و تنها مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره (که حق امضای قراردادهای رسمی تعاونی را دارند) کلیه مسئولیت و تعهدات به وجود آمده را شخصاً پذیرفته‌اند. حتی برای اخذ وام‌ها و یا هنگام ایجاد مشکلات همچون اخطارهای بانکی و یا دیگر مشکلات حقوقی و قضایی، مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره شخصاً خسارات به وجود آمده را بر طرف نموده و از اموال شخصی خود پرداخت‌های اجباری در تعهدات شرکت تعاونی را پرداخته بودند. نکته قابل توجه این است که در اکثر مصاحبه‌های انجام شده در کلیه فعالیت‌های متفاوت اقتصادی این مشکل وجود داشت. این در حالی است که هنگام رونق، کلیه شرکا و اعضای تعاونی خود را صاحب و مالک اموال، ثروت، نقدینگی و دست‌آوردهای تعاونی می‌دانند. این موضوع به شدت روی انگیزه فعالیت بیشتر مدیران تعاونی‌ها اثر گذارده و آنها را در هدایت تعاونی، کم‌انگیزه و یا تقریباً بی‌انگیزه نموده است.

همکاری کارشناسان ادارات با مدیران تعاونی‌ها نیز در حل مشکلات و طی نمودن مسیرهای اجرایی یکی دیگر از موارد مهم است. در صورتی که کارشناسان و مسئولان اجرایی با بی‌میلی، بی‌تفاوتی، عدم انگیزه و علاقه لازم با مدیران تعاونی‌ها و کارهای ارجاعی آنها برخورد نمایند (که در برخی مصاحبه‌ها به این موضوع اشاره شد) از یک طرف علاقه‌آدمه کار و فعالیت بین مدیران تعاونی‌ها کاهش می‌یابد و از طرف دیگر سرعت انجام کارها کاهش یافته، باعث ایجاد تأخیر زمانی در برنامه‌های اجرایی و عملیاتی طرح‌ها می‌شود. عدم همکاری یک مدیر یا کارشناس با یک طرح تعاونی در حل مشکل به وجود آمده، باعث می‌شود که طرح تعاونی را کد شده و مشکلات بعدی برای آن به

وجود آید. آنچه در اینجا می‌بایست به آن اشاره نمود، نشان دادن راهکارهای اجرایی است که در صورت عدم همکاری مسئولان و کارشناسان اداری مسائلی همچون مسیرهای طولانی، از دست رفتن انگیزه ادامه فعالیت، تأخیر زمانی و دریافت اختطاریه‌های حقوقی و... برای مدیران تعاونی به وجود خواهد آمد.

همکاری مدیران و کارشناسان بانک‌ها در مرحله بعدی قرار می‌گیرد. طرح‌هایی که برای اخذ وام، قسط بندی وام‌های دریافتی و یا پرداخت اقساط با بانکها در مراد هستند، نیاز دارند که بانک و کارشناسان زیربط در بررسی، تخصیص، تصویب، نظارت و ارزشیابی و نیز در اجرای قوانین مربوط به دیر کردن و... کمال همکاری و مشارکت و همدلی را داشته باشند. این در حالی است که در بیشتر مصاحبه‌ها به این موضوع اشاره شد که کارشناسان و مدیران بانکها علی‌رغم اینکه خودشان از طریق قرارداد مشارکت بانک شریک طرح‌های تعاونی هستند، ولی به هیچ وجه خود را موظف به حضور، راهنمایی، مشارکت، بررسی و نظارت صحیح نمی‌دانند و با قراردادهای کاملاً یکطرفه، کلیه مسئولیت‌های مربوطه را به عهده مدیران تعاونی‌ها می‌گذارند.

این عدم همکاری باعث می‌شود که مدیران تازه کار تعاونی‌ها بسیاری از فعالیت‌های مربوطه را ناخواسته با تأخیرهای زیاد زمانی و هزینه‌های بسیار بزرگ به انجام رسانند که این موضوع می‌تواند در شکست و در نهایت رکود تعاونی‌ها بسیار مؤثر باشد.

مشکلات و بیماریهای اقتصاد کلان کشور و استان‌ها

بسیاری از تعاونی‌های را کد امروزی نه تنها به علت‌های پیش گفته مورد تهدید فعالیت قرار گرفته‌اند، بلکه مشکلات اقتصادی کشور و استان‌ها نیز به نوبه خود برنامه‌های آنها را به هم ریخته و تصمیم‌های آنها را با اختلال مواجه ساخته است. تورم، قیمت خرید بسیاری از عوامل تولید، تجهیزات، ماشین‌آلات و دستمزدها را افزایش داده است. عدم دقت در پیش‌بینی تورم و بروز تورم ناخواسته در کشور باعث شده تا سرمایه‌های اندک تعاونی

ها همچون یک تکه یخ در آب اثر خود را از دست بدهد. رکود اقتصادی با تهدید تقاضای کل، خریداران محصولات تولیدی تعاونی‌ها را کاهش داده در یک بافت ناقص رقابتی با رقبای بزرگ و توانمندی در سطح کشور، قدرت مبارزه از تعاونی‌های کوچک، شکننده و تازه تأسیس بدون تجربه گرفته شده و آنها را به رکود و بستن کارخانه‌ها می‌کشاند. معضلات صادراتی، نبود بیمه‌ها و ریسک فراوان تولید در کشور، ضعف اقتصادی دولت در حمایت از تولید کنندگان، از دست رفتن بازارهای جهانی محصولات چون فرش و پوست و سنگ و... همه در رکود فعالیت‌های تعاونی‌ها تأثیر گذار بوده و خواهند بود.

دستگاه‌های اداری مزاحم

در شرایط اقتصادی نامناسب، به تولید رسانیدن یک فعالیت اقتصادی در قالب تشکیل تعاونی به خودی خود کار سختی است. این سختی وقتی دو چندان می‌شود که بعضی دستگاه‌های اداری پس از به تولید رسیدن برای ادامه فعالیت تعاونی ایجاد تهدیدهای جدی می‌کنند.

در مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که آن دسته از فعالیت‌های تعاونی که به تولید رسیده‌اند و یا حتی در مرحله احداث هستند، از رفتارهای اداری مأموران و نیز قوانین و مقررات سازمان‌هایی چون سازمان تأمین اجتماعی و اداره کار و امور اجتماعی، شکایت داشتند. اگر چه پرداخت سهم بیمه تأمین اجتماعی و رعایت قوانین حقوقی کار، ضرورتاً باید مورد احترام و رعایت قرار گیرند، ولی برای تعاونی‌هایی که حتی تولید اولیه و فعالیت‌های خود را با ضرر انجام می‌دهند، افزایش دستمزد پرداختی واقعی و یا تهدیدهای حقوقی اداره کار به مثابه یک تهدید جدی عمل می‌نماید و باعث به رکود کشیده شدن تعاونی می‌گردد. در صورت رکود تعاونی نه تنها سهم بیمه پرداخت نخواهد شد، بلکه کارگران کار خود را نیز از دست خواهند داد.

این موضوع بسیار با اهمیت است، چرا که در جامعه‌ای مثل ایران که نرخ بیکاری بسیار عدد بزرگی است و در استان‌هایی مثل کرمانشاه، کردستان، ایلام، لرستان و همدان که بالاترین رقم بیکاری را در کشور به خود اختصاص داده‌اند، از دست رفتن شغل‌های موجود چه مشکلات جدیدی را به وجود خواهد آورد. در هر صورت قوانین و مقررات و نیز نحوه عملکرد این دستگاه‌ها تقریباً به عنوان مانع فعالیت و عامل رکود تعاونی‌ها ظاهر شده است.

مشکل بعدی سهم عوارض آموزش و پرورش و شهرداری‌ها است که به صورت لایحه جمع عوارض یکجا گرفته شده و بدون معافیت، بخشی از سهم فروش تعاونی‌ها را به خود اختصاص داده و بر مشکلات قبلی می‌افزاید. رفتار سازمان‌های دیگری چون بهداشت و محیط زیست نیز در مصاحبه‌ها به عنوان عامل رکود معرفی شده‌اند و عدم همکاری گمرک در ترخیص به موقع کالاهای وارداتی و صادراتی، نیز مزاحمت‌های بیش از حد دیگر دستگاه‌ها در اجرای قوانین گمرکی در مصاحبه‌ها به عنوان عامل رکود و تحدید فعالیت تذکر داده شده است.

وجود استانداردهای غیر ضروری

این صحیح است که برای ساختن هر چیزی حداقل‌های ضروری باید توسط تولید کننده و سازنده رعایت گردد. این حداقل‌ها باعث می‌شوند تا کیفیت محصول تولید شده از یک حداقل قابل قبول کمتر نباشد. اما در صورتی که حداقل‌های قابل قبول زمان، مکان، فرهنگ، اجتماع و بازار را بیش از حد معمول نمایند، هزینه تولید به شدت بالا رفته، زمان تولید افزایش یافته و مصرف کننده نیز بهره بیشتری از این حداقل‌های سخت‌گیرانه نخواهد برد. این موضوع از نظر علمی به اثبات رسیده است که رعایت حد استاندارد در تولید هر چیزی بسیار واجب و عامل ایجاد رضایت خاطر در اجتماع است، ولی هر چه حدود استاندارد و حداقل قابل قبول را افزایش دهیم از یک طرف هزینه‌های تولید را به شدت بالا برده ایم و از طرف دیگر نیز واحدهای اضافی سخت‌گیری رضایت خاطر آنچنانی به وجود نخواهد آورد. این موضوع بسیار مهم در خصوص تعاونی‌های را کد از یک طرف هزینه‌های احداث را در سازه‌ها، تأسیسات، ماشین‌آلات و تولیدات افزایش

داده و از طرف دیگر کمک شایانی به محصول تولیدی که باید به دست مصرف کننده نهایی برسد نکرده است. موضوع استانداردهای غیر ضرور در کلیه مراحل ذیل عاملی برای افزایش هزینه آشکار ساخت، هزینه فرصت، زمان بهره برداری، کاهش انگیزه، هدر رفتن سرمایه و فضا و افزایش استهلاک شده است.

سخت گیری در هنگام طراحی اولیه فضاها و نقشه ها

در تهیه طرح های کارگاه ها، سوله های تولید، محیط های اداری، سالنهای نگهداری، فضا سازی و... همه و همه به اعتراف خود کارشناسان و نیز تذکر کلیه مصاحبه های انجام شده، یا طرح ها به صورت تیپ بدون توجه به وضعیت عمومی، فرهنگی و اجتماعی، نیازهای تولید منطقه و... به صورت کپی برداری توسط کارشناسان به متقاضیان تحمیل شده است، و یا با در نظر گرفتن حداقل هایی بسیار سخت گیرانه و بزرگتر از حد نیاز، هزینه های ساخت را چندین برابر نموده اند. فضاهایی بدون استفاده، سوله هایی که دارای ارتفاع و طول و عرض بسیار زیاد بوده در حالی که پس از بهره برداری رسیدن کارگاه کمتر از سی درصد فضا مورد استفاده قرار گرفته و مابقی فضا نه تنها هزینه سرمایه اولیه را افزایش داده، بلکه هزینه های تهویه مطبوع و استهلاک را به شدت افزایش داده است. ساختمان های اداری که بسیار بزرگ و با هزینه طرحی شده اند، ساختمان های نگهداری، سالنهای نگهداری، سردخانه و... همه و همه دارای این مشکل هستند.

سخت گیری در هنگام نظارت بر ساخت ساختمان های اصلی و اداری

پس از نقشه کشی و طراحی اولیه، دیگر سخت گیری ها و اعمال حداقل های غیر ضروری در ساخت ملاحظه می شود. دیوارهای قطور و تحمیل مصالح ساختمانی بسیار گران قیمت، تحمیل مقاوم سازی غیر ضروری بیش از حد استاندارد لازم و... همه توسط ناظران بانک و ادارات و یا خود مدیران تعاونی ها باعث افزایش شدید هزینه های ساخت اولیه شده است.

سخت گیری در هنگام نصب تأسیسات ساختمان ها

بخش قابل توجهی از هزینه سرمایه اولیه و سرمایه ساخت مربوط به تأسیسات ساختمان ها است. این هزینه می تواند در صورت سخت گیری به شدت افزایش یابد و باعث کم شدن بازده نهایی سرمایه گذاری شود. در مصاحبه های اخذ شده عموماً به تحمیل تأسیسات گران و یا از نوع مشخص بدون توجه به نیازهای واقعی تولید و سودآوری، توسط کارشناسان بانک و ادارات اشاره شده است.

سخت گیری در هنگام خرید و نصب ماشین آلات خط تولید

دیگر سخت گیری اشاره شده مربوط به تهیه و نصب ماشین آلات در خط تولید اصلی است. که این موضوع نیز همچون دیگر موضوعات بالا بدون کمک کردن به سود آوری و بالا بردن درجه بازگشت سرمایه طرح تنها هزینه های آن را افزایش داده است.

سخت گیری در هنگام اخذ پروانه های فعالیت

آخرین سخت گیری ها که باعث راكد ماندن طرح ها شده است، سخت گیری های بیش از حدی است که توسط کارشناسان ادارات بهداشت، محیط زیست و یا ادارات ارائه دهنده پروانه بهره برداری لحاظ می شود و این رعایت حداقل های بیش از حد ضروری در صورت عدم رعایت باعث راكد ماندن طرح ها و در صورت رعایت باعث افزایش شدید هزینه ها، تخریب بخش بزرگی از ساختمان ها، تغییر در نقشه های آنها و... شده که به اعتراف مدیران تعاونی ها برای برخی این حداقل ها رعایت و برای برخی دیگر رعایت نمی شوند. با این

وصف غیر ضروری بودن برخی از این حداقل ها که شامل برخی از تعاونی ها یا تولید کننده های غیر تعاونی می شوند و شامل برخی نمی شوند مشخص می شود.

عدم اعتماد بین طرف های مقابل و تعاونی ها:

در یک ارتباط اقتصادی اعتماد متقابل باعث ایجاد ارتباط صحیح و سازنده و در صورت از میان برداشتن این اعتماد ارتباط مختل خواهد شد. در صورتی که هنگام نبودن اعتماد متقابل قصد ایجاد ارتباط بین دو طرف را داشته باشیم، می بایست با قرار دادن ضمانت های لازم اعتماد را به وجود آوریم. اما این نکته بسیار مهم است که دادن ضمانت از هر طرف به طرف مقابل برای جلب اعتماد هزینه هایی را برای ضمانت دهنده به وجود خواهد آورد. هر چقدر فضای بی اعتمادی افزایش یابد این هزینه ها نیز بصورت مستقیم افزایش خواهند یافت. این موضوع در بین تعاونی های راكد و طرفین مقابل آنها به شدت قابل ملاحظه است. گاه اعتماد لازم به عنوان روغن بین چرخ های ارتباطات صحیح و سازنده وجود نداشته و مدیران تعاونی ها برای جلب اعتماد دستگامها، سرمایه گذاران، بانک ها، فروشندگان ماشین آلات و مواد اولیه و حتی خریداران محصولات تولید شده مجبور شده اند هزینه های بسیار زیادی را پرداخت نمایند.

در فضای بی اعتمادی کنونی حداقل روابط اقتصادی لازم بین تعاونی ها و طرف های آنها نیاز به ارائه ضمانتها کافی داشته و ارائه وثیقه های سنگین، سفته، چک و یا در رهن گذاردن اموال در مواردی تا بیش از دو برابر سرمایه اخذ شده (که توسط بانک ها یا صندوق تعاون برای ایجاد اعتماد برگشت سرمایه صورت پذیرفته است) باعث شده که تا بیش از بیست درصد سرمایه های اخذ شده برای خریداری این ضمانت ها هزینه گردد، که از ابتدای امر باعث ناکارآمدی و ضرر دهی سرمایه گذاری خواهد شد. این در حالی است که کل سرمایه گذاری در رهن بانک قرار می گیرد. عدم نظارت منظم و صحیح بانکها باعث شده است که برخی از سرمایه های قبلی بانکها معوق شده، وصول نگردند و تحمیل وثیقه های اضافه نیز نمی تواند در موفقیت طرح که ضامن اصلی برگشت پول بانک خواهد بود مؤثر واقع شود.

موضوع نبود اعتماد در بین شرکا و اعضای

تعاونی و نیز کارکنان و مدیران که به نوبه خود باعث رکود و یا افزایش هزینه ها و یا طولانی شدن زمان بهره برداری می شود نیز در حیطه عدم اعتماد قرار می گیرد که باید به آن توجه داشت.

عوامل پیش بینی نشده

پس از بیان بسیاری از علل رکود تعاونی ها اتفاق افتادن حوادث پیش بینی نشده ای چون سیل، زلزله، آتش سوزی، دزدی و یا تصادفات نیز در برخی تعاونی های ایجاد مشکل نموده و باعث راکد ماندن آنها شده است.

نبود نهادها و دستگاه ها پشتیبانی کننده

در نهایت آخرین دسته از عوامل رکود تعاونی ها که در این مقاله به آنها اشاره شده موضوع پشتیبانی های عملی، فنی مالی، اداری، حقوقی و قضایی و بازرگانی است. متأسفانه به علت ضعف در ارائه و یا نبود آنها، تعاونی ها نتوانسته اند مسیرهای درست حرکت را انتخاب نمایند و با افزایش هزینه های خود در جهت رکود بیشتر حرکت نموده اند. حداقل پشتیبانی های لازم برای تعاونی ها در موارد ذیل خواهد بود.

۱- پشتیبانی های فنی و مشاوره اقتصادی، مدیریتی و بهره وری

۲- پشتیبانی های اقتصادی و مالی

۳- پشتیبانی در مقابل خطرات احتمالی و ریسک پذیری های بالا

۴- پشتیبانی های اداری و دفتری

۵- پشتیبانی های حقوقی و قضایی

۶- پشتیبانی های بازرگانی، تبلیغاتی بازاریابی و بازاریابی

عدم وجود نهادهای ارائه دهنده خدمات شش گانه فوق و یا ضعف شدید در ارائه این خدمات یکی دیگر از عوامل رکود تعاونی ها بوده و مورد اشاره بسیاری از مصاحبه ها چه با مدیران تعاونی و چه با کارشناسان قرار گرفته است.

تا اینجا تئوری عمومی مشکلات تعاونی های راکد از طریق مصاحبه با مدیران تعاونی ها و کارشناسان دستگاه های متولی صورت پذیرفته بود به صورت فرضیاتی که بن اصلی سؤالات و تحلیل های تحقیقات بعدی قرار خواهد گرفت، دسته بندی و معرفی شد. در مدخل موضوع چگونگی شکل گیری، استخوان بندی و زمینه های جمع آوری این اطلاعات معرفی گردید و در قسمت های متن به مشکلات و عوامل اصلی

رکود اشاره مستقیم، کلی و جزئی شد. عواملی چون اطلاعات کارشناسی لازم در بین متقاضیان تأسیس، مدیران تعاونی ها، کارشناسان ادارات و کارشناسان بانک ها، قوانین و مقررات دست و پاگیر، تفسیر پذیری زمانی و مکانی آنها، ضعف نبود برخی قوانین توسط بعضی مبادی اداری، فرهنگ بی تفاوتی و عدم همکاری مناسب بین اعضاء تعاونی ها و مدیران تعاونی ها، کارشناسان و سازمان های مرتبط، بیماریهای عمومی اقتصاد کلان کشور و استانها، دستگاه های اداری مزاحم و محدود کننده، وجود استانداردهای غیر ضرور و سخت گیرهای زبان آور در تهیه نقشه ها، ساختمانها، تأسیسات و ماشین آلات در هنگام دادن پروانه های بهره برداری، بهداشتی و محیط زیستی، عدم اعتماد متقابل بین طرف های مرتبط در هنگام فعالیت های ساخت و تولید تعاونی ها، عوامل پیش بینی نشده ای چون زلزله، سیل، آتش سوزی، دزدی و در نهایت نبود دستگاه ها، نهاد های اداری لازم پشتیبانی کننده که از اصلی ترین عوامل رکود تعاونی ها تشخیص داده شده مورد معرفی قرار گرفتند. در قسمت بعدی مقاله به برخی نکات مهم و قابل توجه برای موفقیت بخش تعاون در اقتصاد کشور عنوان می گردد.

فضای عمومی فعالیت تعاونی ها در کشور و چند سؤال

پس از بیان تحلیل های نظری و توصیفی در چگونگی فعالیت تعاونی های راکد به بررسی وضعیت عمومی فعالیت اقتصادی برای موفقیت تعاونی ها و نیز اهداف این بخش می پردازیم.

امروزه آنچه می توان از فضای موجود اقتصاد کشور برای فعالیت تعاونی ها و رقابت آنها با یکدیگر مشاهده نمود این است که اگر فرصت کافی برای موفقیت تعاونی ها (از نوع کنونی) در کشور وجود داشته باشد، باید انتظار داشت که این تعاونی ها همچون ماده قابل اشتعال گسترش یابند، ولی این موضوع مشاهده نمی شود. سرعت و حرکت تشکیل، فعالیت و موفقیت تعاونی ها بسیار کند صورت می پذیرد. لذا یا فرصت برای موفقیت تعاونی ها بسیار اندک است و یا این نوع از تعاونی ها (از نوع کنونی) نمی توانند فرصت های موجود را کسب نمایند، و بایستی تغییراتی ساختاری در فلسفه، ماهیت و چارچوب و جایگاه در اقتصاد و نیز فرایندهای اجرایی آنها ایجاد گردد (اما چه تغییراتی؟) سوال اینجاست که آیا تعاونی های از نوع تعاونی های امروزی با شرایط موجود می توانند در فرایندهای تشکیلاتی و اجرایی اقتصاد سیاسی امروز به عنوان عناصر یک سیستم خود تکثیر شونده (خود افزا) عمل کنند؟

آیا با شرایط موجود بازار کار و دستمزدهای تعیین شده توسط سیستم دولتی می توان انتظار داشت تعاونی ها موفق باشند؟ آیا تقویت و یا موفقیت تعاونی ها می تواند قدرت انحصاری تعیین دستمزد را توسط دولت در هم شکند؟ دستمزدی که با قرار گرفتن در بیش از حداقل قانونی در بعضی موارد، و کمتر از حد ایجاد انگیزه در موارد و انواع دیگر فعالیت، قدرت و کارایی سیستم انعطاف پذیر دستمزدی را بهم زده است. آیا تعاونی ها از طریق برقراری نظام کارفرما-شاغل می توانند سیستم بدون انعطاف دستمزد را تغییر دهند و از این طریق در سطح کلان اقتصادی بر بیکاری فزاینده نائل آیند؟

یکی از نارسایی های طرف عرضه اقتصاد مربوط به عدم انعطاف پذیری دستمزدها از نظر سیستم کارگری موجود و تعیین حداقل دستمزد توسط دولت است. سوال اینجاست که آیا تغییر سیستم کارگری موجود به سیستم کارگر-مالک در نظام تعاونی که کارگران صاحبان شرکت ها هستند می تواند نارسایی مورد نظر را حل کند؟

یکی دیگر از موضوعات مهم در موفقیت اقتصادی وجود فرهنگ مشارکت است. اگرچه همواره این استدلال وجود دارد که اعضای شاغل هر تعاونی با توجه به اینکه صاحب شرکت و محل اشتغال خود هستند و چون برای خود کار می کنند (مالک کامل دسترنج خود هستند)، ضایعات کمتر و بهره وری بیشتری در کار خواهند داشت، ولی همواره این احتمال هم در جوامع با سطح سواد کمتر کارگران و اعضا و نیز مناطق محروم وجود دارد که از طریق چشم و هم

بر این مشکل فائق آمد؟

امروزه در ادبیات اقتصادی بیان می شود که فضاهای رانت زا و آلوده به تصمیمات رانتی سلامت اقتصاد را بهم زده و انحراف هائی را در فعالیت ها به وجود خواهد آورد که حداقل زیان آن حرکت به سمت ناکارایی از کارایی است. در فضای فعالیت تعاونی ها نیز این موضوع بسیار با اهمیت است. در این فضا اگر چه دولت با در اختیار قرار دادن تسهیلات مناسب با نرخ سودهای به مراتب کمتر و نیز دیگر شرایط تسهیل شده برای بر خورداری از مزایای دولتی، همواره موجبات رونق و موفقیت بیشتر تعاونی ها را فراهم می آورد، ولی همواره دو خطر عمده نیز وجود دارد؛ اول اینکه کارفرمایان دولتی به طمع استفاده از تسهیلاتی که خود تصویب می کنند، شرکت های تعاونی را مالک شده، پس از اخذ رانتها و عواید لاشه شرکت بی جان را در بدنه جامعه رها سازند. دوم اینکه کارگران و متقاضیان واقعی این تسهیلات به علت عدم تأمین و نداشتن اشیاع مصرفی، تسهیلات اخذ شده رانه در جهت موفقیت کسب و کار، که در جهت تأمین مصرف های اشیاع نشده خود همچون وسایل تجملی، انومبیل های گران قیمت و.. مصرف نمایند، لذا موفقیت مورد نظر قانون گذار به وجود نیاید.

عدم همگنی در توانایی اقتصادی اعضای تعاونی نیز نکته بسیار مهمی به شمار می آید. یک سؤال اساسی در زمینه موفقیت تعاونی ها این است که با توجه به فقر اعضای تعاونی همچنان که در هنگام تشکیل و اخذ تسهیلات به ناچار بعضی از اعضا مجبور می شوند ناتوانی دیگر اعضای تعاونی را در تأمین وثائق و ضمانت های لازم بانکی تحمل کنند، آیا پس از موفقیت تعاونی و رسیدن به سوددهی و یا در حین اجرای فعالیت های راه اندازی آن، عاملی وجود دارد که این موضوع باعث عدم سهم خواهی آن اعضا و یا عدم اقدامات قانونی بر علیه اعضای راه انداز نشود؟ یعنی طمع برخی از اعضا پس از به تولید رسیدن و سودآوری تعاونی، عاملی برای راکد کردن تعاونی و ورشکستگی آن نیست؟

به نظر می رسد رفتار طرفهای تعاونی ها و مخصوصاً بانک ها در عرصه همکاری با تعاونی ها همواره اینگونه نبوده است که به صلاح خود و تعاونی ها عمل شده باشد. هنگامی که بستانکاران (مخصوصاً بانک ها) برای دریافت طلب های خود از بدهکار (تعاونی) بهره های بیشتری طلب می کنند (مخصوصاً جرائم تأخیر) این کار ممکن است باعث ورشکستگی کامل تعاونی و در نتیجه سوخت کامل طلب شود. همواره فشار بیشتر بر روی بدهکار نمی تواند تأخیر کمتر و یا باز پرداخت بهتر را تضمین نماید.

در فضای فعالیت های اقتصادی بخش تعاون البته تغییرات ساختاری که حاصل بینش عمیق و دقیق از مشکلات و موانع باشد به تنهایی کافی نیستند. واقعیت های درونی تعاونی ها با واقعیات موجود در مؤسسات تجاری سنتی متفاوتند. در صورتی که به این موضوع توجه نکنیم تضادهای کهنه میان کارگران و مدیریت و یا بین اعضا و یا دیگر طرفهای درگیر در کار تعاونی و نگرش های منفی کارگران و اعضای تعاونی ها بخصوص در مناطق محروم، به توسعه، بهره وری و دگرگونی، قوی تر از آن است که آنها را به ادامه همکاری برانگیزد.

در کل شاید بتوان برخی از علل مهم تر شکست تعاونی ها را به این صورت باز نمود که به نظر می رسد:

- ۱- تعاونی های موجود به طور کلی در جذب مدیران کارآمد شکست خورده اند
- ۲- منابع مالی و در دسترس تعاونی ها خیلی کمتر از حریفان سنتی اشان بوده است.
- ۳- ساختارهای «بنگاه» که الگوی انتخابی اکثریت قریب به اتفاق تعاونی ها بوده از این نظر که باید در این ساختارها بین مالکین و اداره کنندگان اصلی از یک طرف و کارگران و کارکنان آنها از طرف دیگر یکسانی و همانندی دقیق وجود داشته باشد، مورد اهمال قرار گرفته است و ضرورت دارد این ساختارها مورد بازنگری قرار گیرد.
- ۴- اکثر تعاونی های امروزی که در جوی کاملاً خصمانه از نظر رقابت اقتصادی به طور مستقل کار کرده اند، لازم است برای تداوم حیات خود به هم پیوندند و گروه های حمایت

کننده تشکیل دهند. شاید تعاونی های موفق با تلفیق شانس، قوه تخیل و یا دانش های مدیریت بهره وری تصادفی توانسته اند بر مشکلات فائق شوند و مدیران ورزیده ای جذب نمایند، اما بهم پیوستن و تأسیس صندوق های اعتباری مشترک، نهادهای حمایت کننده و نیز تغییرات ساختاری در روابط مدیریت و کار، ایجاد حس وفاداری منطقه ای و اتحاد و اتفاق نظر برگرفته از احساسات ناسیونالیستی منطقه ای می تواند اثرات بسیار مؤثری بر موفقیت تعاونی ها بجا بگذارد.

۵- رویکرد سریع و گسترش بدون ضابطه بخش تعاون مادامی که فرهنگ کار در شرکت های تعاونی به صورت تدریجی و از طریق آزمون و خطای تجربی جامعه به وجود نیاید، نمی تواند یک بخش موفق تعاونی در بین دو بخش قدرتمند دولتی و خصوصی به وجود آورد. نگرش های کنونی مردم به همکاری با یکدیگر برای به ثمر رسانیدن یک تعاونی نگرشی مبنی بر عدم مشارکت و یا مشارکت ضعیف همراه رقابت است. روالهای رانتی در گسترش تعاونی ها نگرش هایی خصمانه می آفریند. جهش ناگهانی شتابزده دولت برای گذر به یک بخش تعاون فراگیر شانس ضعیفی در تغییر این نگرش ها دارد. در حالیکه رویکرد تدریجی اگر بتواند تعاونیها را به طرز موفقیت آمیزی مستقر سازد، شاید قادر باشد همانطوری که ساختارهای اقتصادی را دگرگون می کند، این دیدگاهها را نیز تغییر دهد، به این دلیل که اعضا و کارکنان به شکل معمولی و طبیعی با تعاونی و ساختار فعالیت تعاونی سرو کار پیدا خواهند کرد. البته اگر آن را انتخاب کنند. به علاوه توسعه بخش جدید تعاونی تا اندازه زیادی بستگی دارد به اینکه کارگران این مسیر را ترجیح می دهند. یکی از نکات مهم و قابل توجه در این زمینه این است که ابتکارات عملی جدید که ممکن است به ایجاد یک تعاونی جدید منجر بشود یا نشود، باید از پایین آغاز شود نه اینکه از بالا تحمیل گردد.

در نهایت این که:

آیاد شرایطی که در یک قطب نیروهای بزرگ تجاری دولتی، سازمان های تجاری و اقتصادی غیر دولتی عمومی و در قطب دیگر بخش خصوصی قدرتمند قرار دارد. یک بخش سوم «بخش تعاونی» قادر است بر پایه همکاری

و نظارت مردم بر حیات شغلی خود و از طریق بکارگیری مدیران برگزیده خود رشد کند؟ و آیا این بخش می تواند و باید از ارکان اقتصادی باشد؟

جمع بندی و پیشنهادات

در این مقاله پس از تعریف تعاون و شرکت تعاونی، نظریات دانشمندان و فلاسفه در خصوص تعاون، نحوه شکل گیری نظام تعاونی در ایران، چگونگی ورود به تحقیق میدانی، بیان مشکلات دسته بندی شده تعاونی های راكد و طرح سوالاتی درونی و محتوایی در موضوع توسعه بخش تعاون در کشور، پیشنهادات ذیل که مستقیماً از متن تحقیق بیرون آمده اند ارائه می گردند.

۱- برای جبران کاستی اطلاعات متقاضیان تأسیس تعاونی که قاطبه مردم و مخصوصاً جوانان جویای اشتغال هستند پیشنهاد می گردد از طریق رسانه های گروهی صدا و سیما و روزنامه و مجلات اقدام به آموزش های لازم در این زمینه گردد. این موضوع باید از طریق تهیه منابع و برنامه های متنوع و بهنگام آموزشی و ارائه آنها در بهترین ساعات، اماکن و روبه های ممکن صورت گیرد.

۲- برای جبران ضعف اطلاعاتی کارشناسان در ابتدا از طریق استفاده از تجارب دیگر کشورها متون و مطالب لازم آموزشی تهیه و سپس با استفاده از جدید ترین روش های آموزش ضمن خدمت در کنار سفرهای کاری به خارج از کشور، آموزش های لازم به کارشناسان ادارات متولی امر داده شود و این آموزش ها مستمراً به هنگام گردند.

۳- به نظر می رسد سازمان مدیریت و برنامه ریزی، وزارت تعاون و بنیاد تحقیقات مجلس شورای اسلامی ضرورتاً می بایست پروژه های بنیادی، کاربردی و توسعه ای برای تقویت ادبیات علمی بخش تعاون سفارشی نمایند و از آن طریق در ویرایش و کارآمد نمودن قوانین از طریق پیشنهاد لوایح قانونی کارآمد و روز آمد اقدام لازم را به انجام رسانند.

۴- به نظر می رسد اصول اولیه تعاون در اقشار متفاوت مردم، مخصوصاً تشکیل دهندگان تعاونی ها مورد کم توجهی قرار گرفته باشد و اصول سود طلبی و رقابت های بازاری در کنار تفویض اختیار آرای اعضای تعاونی ها به افراد خاص ماهیت تعاونی ها را بیشتر به مؤسسات دارای ابهام هویتی

تبدیل نموده باشد، در این راستا آموزش اصول تعاونی به متقاضیان تأسیس در کنار نظارت صحیح می تواند کار ساز تلقی شود.

۵- وجود سخت گیری های غیر ضروری، تحمیل استانداردهای اضافی و تحمیل هزینه های نامناسب در هنگام ساخت و تأسیس، همگی حاکی از کمبود دانش و ضعف اطلاعات دارد که به نظر می رسد نخست ارائه آموزش و اطلاعات صحیح و دوم نظارت دقیق بر طبق قانون در این زمینه می تواند بسیار کار ساز باشد.

۶- اعتماد سرمایه اجتماعی همه ملت هاست و عدم آن فقری است که جبران آن بسیار سخت تر از جبران فقر اقتصادی است. این موضوع همواره اول از طرف دولت شروع خواهد شد. ثبات قدم های دولت، عدم تعویض آراء توسط مجریان، اجرای دقیق و درست قوانین به دور از تفاسیر شخصی، و نظارت دقیق و صحیح بر این موارد می تواند در مردم باور راستگو بودن و درستکار بودن دولت را به وجود آورد. در غیر این صورت زمانی که دولت همواره به قولهای خود عمل نکند، از بخش خصوصی در بدام انداختن تعاونی ها پیشی بگیرد، خود رقیب درجه اول آنها در اخذ تسهیلات و عرضه و تولید محصولات باشد، و با تصمیم های نابخردانه موجبات تورم و رکود بیشتر را در جامعه فراهم آورد، قاعدتاً نمی توان انتظار داشت اعتماد اجتماعی صورت بگیرد. موضوع پول شویی و فساد اداری را نیز باید به این موضوع اضافه نمود. در هر حال پیشنهاد می شود اصلاح این روبه ها در رأس برنامه های دولت قرار گیرد تا اعتماد اجتماعی به عنوان اولین و مهم ترین سرمایه ملی شکل بگیرد.

۷- تأسیس صندوق های بیمه تعاون با قدرت پاسخ گویی مناسب، نهادهای ارائه دهنده مشاوره های مفید و به روز اقتصادی و فنی، نهادهای حقوقی و بانک ها و صندوق های اعتباری مخصوص تعاون در کنار ارائه خدمات مناسب بازاریابی و بازاری سازی توسط وزارت تعاون برای تعاونی ها با توجه به ضعف شدید آنها در این زمینه می تواند زمینه مناسب تقویت و پشتیبانی همه جانبه را برای تعاونی ها به وجود آورد.

منابع و مأخذ:

- ۱- معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون (۱۳۷۸): مشارکت مردمی در سازمان های مردمی، معنی دار ساختن عضویت در تعاونی ها، ناشر، معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر تحقیقات و پژوهش، تهران.
- ۲- معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون (۱۳۷۷): گزارش کار سی و یکمین کنگره اتحادیه بین المللی تعاون منچستر (۱۹۹۵)، در زمینه اصول تعاونی برای قرن بیست و یکم و تعاونی ها و توسعه پایدار، ناشر معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج دفتر تحقیقات، تهران.
- ۳- پاساگونه واتکینز ویلیام (۱۳۷۲): اصول تعاون، ناشر وزارت تعاون معاونت آموزش و تحقیقات، تهران.
- ۴- وزارت تعاون (۱۳۷۶): سومین کنفرانس وزیران تعاون در منطقه آسیا-اقیانوسیه، استراتژی های همکاری دولت برای توسعه تعاونی ها، کلمبو ۵-۹ تیر ۱۳۷۳، ناظر معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج، دفتر تحقیقات، تهران.
- ۵- کلایدر، آلسدایر (۱۳۷۶): اقتصاد سیاسی همکاری و مشارکت، بخش سوم اقتصاد. مترجم علی معنوی و ناشر وزارت تعاون، تهران.
- ۶- حیدری، محمد حسین (۱۳۷۹): طرح تحقیقاتی بررسی نتایج عملکرد تبصره های ۳ و ۴ و ۵۰ قانون بودجه سالهای ۷۷-۱۳۷۱ در تعاونی های استان کرمانشاه، طرح تحقیقاتی ارائه شده به معاونت تحقیقات، آموزش و ترویج وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان کرمانشاه.
- ۷- سید مطهری، سید مهدی (۱۳۷۴): ارزیابی طرح های تولیدی-فنی، اقتصادی، مالی (کاربردی)، ناشر مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، تهران.
- ۸- مدارک و اسناد رسمی و آمارهای رسمی اخذ شده از اداره کل تعاون استان کرمانشاه.
- ۹- وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۴): شیوه های عملی کار در تعاونیها (جلد اول) نشریه شماره ۱۰۸، تهران.
- ۱۰- وزارت تعاون و امور روستاها (۱۳۵۳): مجموعه گفتارهای تعاونی جلد اول، دوم، سوم و چهارم، تهران.
- ۱۱- طالب، مهدی (۱۳۷۶): اصول و اندیشه های تعاونی، انتشارات دانشگاه تهران نشریه شماره ۲۳۶۷.
- ۱۲- سالکی، حسین (۱۳۷۱): اصول تعاونی حال و آینده، وزارت کار و امور اجتماعی، موسسه کار و تامین اجتماعی، تهران.